

آن روی سکه کره جنوبی

آمار بالایی خودکشی و اختلاف شدید طبقاتی در یکی از اقتصادهای برتر آسیا که سبک موسیقی اش بیع نوجوانان طرفدار دارد و سینمایش مورد توجه است، نشان دهنده چیست؟

اشکان محمودی | خبرنگار

پرونده

برج‌های سر به فلک کشیده، پیشرفت وسیع در عرصه‌های مختلف، برندهای مشهور الکترونیکی و صنعتی، سینما و سبک موسیقی که آواز داش در تمام جهان پیچیده؛ این تصویری است که بیشتر مردم جهان از کره جنوبی در ذهن‌شان دارند. کشوری که یکی از قدرتمندترین اقتصادهای آسیا و جهان است و در زمینه فناوری به دستاوردهای نوینی رسیده است. سبک موسیقی اش بین نوجوانان سراسر جهان طرفداران زیادی دارد و سینمایش تحسین منتقدان زیادی را برانگیخته است. اما همه کره جنوبی در این ویژگی‌ها خلاصه نمی‌شود. بُعد تاریک توسعه این کشور در زندگی مردمش قابل مشاهده است. مردمی که هر روز با هم در رقابت‌اند؛ برای اندکی رفاه بیشتر روزی ۱۶ ساعت کار می‌کنند و طبق آمار اواخر سال ۲۰۱۹، رتبه چهارم خودکشی جهان و اول میان کشورهای توسعه‌یافته را به خود اختصاص داده‌اند. در پرونده امروز زندگی سلام، پوسته پرزرق و برق اقتصاد فعال و فرهنگ غنی معرفی شده توسط سلبریتی‌های کره‌ای را کنار می‌زنیم تا بازوای پنهان کره بیشتر آشنا شویم.

مروری کوتاه بر تاریخچه کره جنوبی در ۱۰۰ سال گذشته

آغاز نفوذ آمریکا در کره جنوبی

از سال ۱۹۱۰ تا پایان جنگ جهانی دوم، شبه جزیره کره تحت کنترل کامل ژاپن بود. تا قبل از آن، جنگ‌های زیادی بین چین و ژاپن بر سر استعمار این شبه جزیره رخ داده بود. بیشتر مردم کره تا سال ۱۹۴۵ به کشاورزی مشغول بودند. در جنگ جهانی دوم با بمباران هیروشیما و ناگازاکی، ژاپن علاوه بر شکست در جنگ، استیلای خود را بر کره از دست داد. با از دور خارج شدن ژاپن، راه متفقین به کره باز شد. جنوب کره به دست آمریکا

رسمیت نمی‌شناختند. همین قضیه مسبب جنگ سه ساله بین دو کره بود. نیروهای کمونیست کره شمالی برتری مطلق از نظر تعداد نیرو و تجهیزات نظامی نسبت به کره جنوبی داشتند. با پیشروی نیروهای کره شمالی به کمک چین، تقریباً تمام کره جنوبی به جز جزیره «بوسان» اشغال شد اما حضور دقیقه آخری نیروهای آمریکایی، ورق را برگرداند و نیروهای کره شمالی مجبور به عقب‌نشینی شدند. با حمایت همه جانبه آمریکا، کره جنوبی از شکست حتمی در جنگ نجات یافت و این آغاز نفوذ آمریکا در کره جنوبی بود. از آن تاریخ به بعد مواضع دیپلماتیک کره جنوبی با آمریکا هم جهت شد. بعد از جنگ، با پشتیبانی آمریکا از

حکومت طی برنامه‌ریزی‌های پنج ساله، تأسیس شرکت‌های بزرگ با نیروی انسانی زیاد، معافیت مالیاتی و تقویت ساختار آموزشی، این کشور در مسیر تبدیل شدن به ابرقدرت اقتصادی آسیا قرار گرفت.



پیامد فشارهای اجتماعی برای کسب پول بیشتر و موقعیت بالاتر

سناریوی نظام سرمایه‌داری و جامعه طبقاتی

فشار به مردم برای بهترین بودن عامل دوم در افزایش نرخ خودکشی به عرف جامعه برمی‌گردد. معیار ارزش نهادن بر افراد در کره جنوبی با پذیرفته شدن در دانشگاه‌های برتر و استخدام در شرکت‌های بزرگ نظیر سامسونگ، آ‌ج‌ی و هوندا ستجیده می‌شود. بلندپروازی برای بهترین شدن، ایده‌آل گرایی، کار سخت و فشار از طرف جامعه‌ای که اگر بهترین نباشی تو را به رسمیت نمی‌شناسد، از دیگر عوامل افسردگی و خودکشی‌اند. «ها کئوسوب»، روان‌پزشک در دانشگاه ملی سئول و رئیس انجمن جلوگیری از خودکشی در کره در مصاحبه‌ای با «بلین هاردن»، روزنامه‌نگار آمریکایی بیان می‌کند: «ما تمایلی نداریم برای افسردگی‌مان کمک بخواهیم. شدیداً می‌ترسیم که ما را دوباره ببانند. این بُعد تاریک توسعه ماست». عقیده‌ای در فرهنگ کره وجود دارد که می‌گوید: «اگر شخصی در زندگی خود به قهر موقعیت مالی یا اجتماعی سقوط کند یا خودکشی، از وقوع گرفتاری‌ها و مشکلات بعدی جلوگیری می‌کند تا آبروی خانواده حفظ شود». این هم دلیل دیگری است که خودکشی در کره جنوبی چندان قبیح نیست. خلاصه‌آن که وقتی اعضای یک جامعه ارزش و موقعیت خود را منوط به رسیدن به موقعیت مالی و اجتماعی ایده‌آل می‌دانند، در صورت مواجهه شدن با موانع و شکست، به انواع اختلالات روان‌شناختی دچار می‌شوند و سرانجام برخی از آن‌ها خودکشی است.

طبق یافته‌های «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (OECD) که مجمعی متشکل از ۳۷ قدرت برتر اقتصادی جهان است، مردم کره جنوبی بیشتر کار می‌کنند، کمتری خوابند و نرخ خودکشی بین مردم این کشور از هر کشور توسعه‌یافته دیگری بیشتر است. اقتصاددانان بین‌المللی معتقدند حکومت دموکراتیک، بازار آزاد و کار سخت‌توانست یک کشور را دور افتاده را به کانون قدرت منطقه‌ای و حتی جهانی تبدیل کند اما مصدات انسانی آن خیره‌کننده و جبران‌ناپذیر است.

۲ مقصر اصلی نرخ بالای خودکشی در کره جنوبی

برای نرخ بالای خودکشی می‌توان دو عامل را مقصر اصلی دانست: نظام سرمایه‌داری و فشار به مردم برای بهترین بودن.

۱ نظام سرمایه‌داری و نظام سرمایه‌داری در کره جنوبی موجب طبقاتی شدن جامعه شده است. شرکت‌های بزرگ، سرمایه‌داران و دولت، بازارهایی را برای سرمایه‌گذاری به مردم معرفی می‌کنند؛ مردم جذب بازارها می‌شوند و برای رسیدن به موقعیت ایجاد شده و سرمایه‌گذاری از هیچ تلاشی غافل نمی‌شوند، اما در نهایت در زمان مناسب پول و تمام سود حاصل از آن به جیب صاحبان این نظام می‌رسد. در خور ذکر است که نظام سرمایه‌داری می‌کوشد همواره مردم را به کارگر و کارمند بودن سوق دهد تا تغییر هر چند کوچکی در سود حاصل از این بازار ایجاد نشود. به تعبیری، پولدارها هر روز پولدارتر می‌شوند و فقیرها که بخش بسیار اعظم جامعه را تشکیل می‌دهند، فقیرتر.

نگاهی به پیام اعتراض آمیز بعضی از آثار سینمایی کره جنوبی سینمای کره خبر می‌دهد از سردرون!



از بررسی اقتصاد و اوضاع نه‌چندان مطلوب جامعه کره جنوبی که بگذریم، نادیده گرفتن سینمای تازه‌جان گرفته و هنر ساخت پوپانمایی این کشور کم‌لطفی است. سینمایی که در دوسال اخیر به واسطه چند اثر متفاوت، حسابی بر سر زبان‌ها افتاده است و «انیمه»هایی که به دلیل جذابیت بصری، داستان پرکشش و محتوای جذاب در سراسر جهان طرفداران خودش را دارد. اگر ظاهر و فرم آثار برتر سینمای کره بگذریم و در بطن آن دقیق شویم، نکته‌ای قابل توجه را درمی‌یابیم. در این آثار معمولاً به صورت استعاره‌ای یا با استفاده از نمادها، کنایه‌ها و گفتاری، به اوضاع روزنی کره جنوبی اشاره شده است. برای مثال می‌توان به یکی از تولیدات اخیر سینمای کره، فیلم «انگل» (parasite) اشاره کرد که برنده جوایز متعددی در جشنواره‌های اسکار، کن و گلدن گلوب شد. این فیلم پرست از نمادهایی که جامعه طبقاتی کره، تضاد سبک زندگی و نوع دغدغه‌های اقشار این کشور را به تصویر می‌کشد. نوع بیان این کنایه‌ها به نحوی است که مخاطب‌های نه‌چندان حرفه‌ای سینما هم متوجه آن‌ها می‌شوند. همچنین کارگردان انگل، موضوع داستان را به زیبایی تمام به روابط میان دو گروه آمریکایی‌تعمیم می‌دهد. سریال پر بیننده «بازی مرکب» نمونه دیگری از نقد جامعه کره است. نقدی که این بار با استفاده به جای نمادها، نظام سرمایه‌داری را هدف گرفته است. نظامی که به افراد طبقات پایین می‌فهماند که برای موفق شدن لازم است همه رده‌خودشان را به چشم دشمن ببینند و برای از دور خارج کردن‌شان از هیچ تلاشی فروگذار نکنند. دلیل فقر طبقات پایین همین مقوله است: نظامی که در آن بودجه، میان طبقات بالایی پاسکاری می‌شود و سر مردم عادی بی‌کلاه می‌ماند. آن افراد معدودی هم که موفق می‌شوند سودی از این سازوکار به دست بیاورند، بهای سنگینی را می‌پردازند. حال می‌توان دریافت که چرا بسیاری از مردم کره از توسعه اقتصادی ابرشرکت‌هایی مثل سامسونگ و هوندا و پیشرفت روزافزون کشورشان، چیزی جز فقیرتر شدن و فشار روانی عایدشان نمی‌شود.



۳/۳ میلیون نفر رسید. برای مطالعه بیشتر. در سه سال منتهی به دانشگاه، مدت زمان کلاس‌های تقویتی به شش تا ۹ ساعت در روز می‌رسد که با محاسبه ساعات درسی مدرسه، یک دانش‌آموز در کره جنوبی به طور متوسط باید ۱۶ ساعت در روز را صرف مطالعه و آموزش کند. فشار خانواده‌ها هم برای قبولی در آزمون‌های پانانی، تب‌تحصیل را به شدت افزایش می‌دهد. جامعه‌شناسان کره‌ای، سیستم آموزشی این کشور را وحشیانه و به شدت رقابتی توصیف کردند. سیستمی که طبق آمار، علت اصلی خودکشی افراد ۱۰ تا ۱۹ سال است. رسانه‌های مختلف این خودکشی‌ها را ناشی از اضطراب برای امتحانات ورودی دانشگاه‌ها و ترس از پذیرفته نشدن می‌دانند. همچنین این نظام آموزشی به علت تولید کم‌آرامی و دانش‌آموخته‌بیکار، مورد انتقاد قرار گرفته است، به طوری که تنها در سه ماهه نخست سال ۲۰۱۳، ۲۰۱۳ بار دانش‌آموختگان بیکار دانشگاه‌های کره جنوبی به ۳/۳ میلیون نفر رسید.

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

یک شنبه • ۱۴ آذر ۱۴۰۰

۲۹ ربیع الثانی ۱۴۴۲ • ۵ دسامبر ۲۰۲۱

شماره ۲۰۸۱۸

۲۰۳۸

نامرئی شدن

با «شنل کوانتومی»!

ماجرای گجت نامرئی کننده بدن

که به تازگی توسط یک شرکت کانادایی رونمایی شده، چیست؟



مهسا کسنوی | روزنامه‌نگار

یکی از فانتزی‌های هر آدمی چه در دوران بزرگ سالی یا کودکی این است که با خواندن یک ورد غیب شود، البته گاهی این فانتزی در دوران کودکی فراتر می‌رود و دل‌مان می‌خواست با پوشیدن یک شنل خودمان را نامرئی کنیم و به جاهای مختلف برویم. باید بگویم از آن جایی که علم هر رویای غیرممکنی را ممکن می‌کند، به نظر می‌رسد که رویای غیب‌شدن هم تا حد زیادی به واقعیت نزدیک شده و شما می‌توانید با خرید یک شنل خودتان را غیب کنید. به تازگی کمپانی بیوتکنولوژیکی کانادایی Hyperstealth که چندین سال مشغول مطالعه، ساخت و آزمایش نمونه‌های آزمایشی گجت نامرئی کننده بدن بوده، بالاخره توانسته این گجت را در قالب شنل کوانتومی تولید کند. در مینی پرونده امروز زندگی سلام، نکاتی در همین باره مطرح خواهد شد.

• از طراحی لباس نظامی تا شنل نامرئی کننده

Hyperstealth یک شرکت موفق طراحی استارت‌آپ کانادایی است که تا به حال بیش از دو میلیون لباس نظامی و بیش از سه هزار وسیله نقلیه و جت جنگنده را تولید و در سراسر جهان عرضه کرده است. اما این بار انگار ایده پردازان این شرکت کانادایی خلا قانه‌تر عمل کردند و به دنبال رویاهای کودکی خود به سمت تولید شنلی رفتند که انسان را نامرئی کند و مدعی شده‌اند که در این زمینه موفق بوده‌اند.

• سازوکار عمل «شنل کوانتومی»

برای طراحی این شنل از قوانین انکسار نور در فیزیک کمک گرفته شده است. در آن از لنزهای عدسی (lenticular) استفاده شده و این لنزها، پرتوهای نوری را به نحوی منحرف می‌کند که در چشم بیننده نامرئی به نظر برسد، اما این همه ماجرا نیست. مخفی کننده کوانتومی ماده‌ای است که با خم کردن امواج نور به اطراف سوز، هدف را کاملاً مات می‌کند. این ماده نه تنها علائم بصری، مادن قرمز (دید در شب) و حرارتی شمارا حذف می‌کند بلکه سایه هدف را هم از بین می‌برد. یعنی شما با پوشیدن این شنل نه تنها به دور بین‌های دید در شب دیده نمی‌شوید بلکه سایه خودتان را هم نمی‌بینید!

• کاربرد ها و سناریوهای استفاده

چتر نجات! چتر نجات نامرئی شونده شاید در نگاه اول کمی بدون استفاده به نظر برسد اما فکر کنید که شما درون هواپیمای خود محاصره شده‌اید و کاری جز فرار با چتر نجات ندارید. از درون هواپیما با چتر نجات به بیرون می‌پرید و یکپو غیب می‌شوید. چتر نجات شما از مواد کوانتومی Stealth ساخته شده است و شما را از دید دشمن پنهان می‌کند. شما مواد کوانتومی Stealth را از چتر نجات می‌گیرید و آن را بالای سرتان پرتاب می‌کنید و اکنون هیچ حسگر بصری و چشم انسان شما را شناسایی نخواهد کرد بنابراین می‌توانید با خیال راحت در جنگل مخفی بمانید!

زیر دریایی! تا به حال به این فکر کرده‌اید که یک زیر دریایی وقتی روی آب هم می‌آید، مخفی باشد. کافی است شنل را روی زیر دریایی بکشید و زمانی هم که زیر دریایی روی آب است از دید بقیه پنهان باشد.

ارتش نامرئی! داشتن ارتش تانک‌های نامرئی رویای کودکی هر پسر بچه‌ای بوده است. این که شما با ارتشی که دیده نمی‌شود به جنگ دشمن بروید و افعا هیجان انگیز است. در این جنگ دشمن فقط از روی صدای تیراندازی باید محل دقیق شما را تشخیص دهد و این کار برای او محدودیت‌های زیادی را ایجاد می‌کند و باید بگویم این اتفاق دیگر دور از ذهن نیست و اگر روی تانک‌ها شنل نامرئی بکشید، شما یک ارتش نامرئی خواهید داشت که فقط با صدای تیراندازی‌ها کمی قابل تشخیص است.